

جنگ هیبریدی و شناختی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

آرش سعیدی راد^۱ | مجید فرخی چشمه سلطانی^۲

چکیده

اگر امروزه (۲۰۲۴) دسته‌بندی جدیدی از جنگ‌ها ارائه شود، بدون شک جنگ هیبریدی و شناختی یکی از مدرن‌ترین آن‌ها است، چرا که این جنگ‌ها یکی از پرتعدادترین و رایج‌ترین جنگ‌های پیش‌رو کنشگران است. هر چند در شکل‌گیری این نوع جنگ‌ها هنوز ابهاماتی وجود دارد. ولی آنچه باعث جلب توجه به این جنگ‌ها شده است، شیوع ویروس کرونا و جنگ روسیه و اوکراین می‌باشد. از این رو لازم است در جامعه علمی ایران چنین جنگ‌های مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند تا قبل از بحران و درگیر شدن با چالش‌های عمقی آن‌ها نقاط قوت و ضعف شناسایی شود. لذا نویسندگان در این مقاله تلاش خواهند کرد به این پرسش «جنگ هیبریدی و شناختی ایالات متحده آمریکا علیه ایران چگونه قابل ارزیابی است؟» پاسخ دهند. رویکرد تحقیق نوشتار حاضر توصیفی-تبیینی و داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. یافته‌های کلی نشان می‌دهد در حال حاضر آمریکا جنگ هیبریدی و شناختی علیه ج.ا.ایران در قالب جنگ روانی، اطلاعاتی، سایبری، تبلیغاتی، رسانه‌ای و اعتراضات داخلی دنبال می‌کند.

کلمات کلیدی: جنگ هیبریدی، جنگ شناختی، ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران

شماره ۱(۱)

سال ۱

فصل تابستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

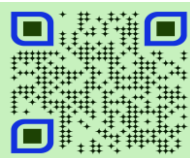
تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۱۶

صص: ۱۴۶-۱۲۶



^۱دانش آموخته ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول). SaiediIarash@gmail.com

^۲دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

استاد: سعیدی راد، آرش و فرخی چشمه سلطانی، مجید. (۱۴۰۳). جنگ هیبریدی و شناختی ایالات متحده آمریکا علیه ج.ا.ایران. فصلنامه شناخت

پژوهی مطالعات سیاسی، ۱(۱)، ۱۴۶-۱۲۶.

Saeedi rad, A., farokhi cheshmrh soltani, M. (2024). The hybrid and cognitive war of the United States of America against the Islamic Republic of Iran. *Cognitive research of political studies*, 1(1), 126-146. doi: 10.20241403/CRPS.2408.1000.1.1.4



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

ماهیت جنگ مداوم در حال تغییر است. سان تزو^۱، ژنرال چینی معتقد است که در جنگ، شرایط ثابتی وجود ندارد (Sun Tzū, 1910: 53). به این معنی جنگ تحت تأثیر شرایط مختلف حتی آب و هوا، هم قابل تغییر است. کارل فون کلاوزویتس^۲، در کتاب «ماهیت جنگ»، جنگ را به عنوان عملی نیرومند برای وادار کردن دشمن به انجام اراده، تعریف می کند (Clausewitz, 1984: 75). اما آنچه باعث شد که برای جنگ ماهیت دیگری در نظر گرفته شود، نقد نظریه کلاوزویتس توسط کالدور^۳ در سال ۲۰۰۵ بود. در واقع کالدور استدلال می کند که کلاوزویتس جنگ را به عنوان «استفاده از ابزار نظامی برای شکست دادن دولت دیگر» درک می کند و این نوع نگاه به جنگ برای دنیای امروزی قابل پذیرش نیست و برای اولین بار اشاره می کند که هر چند خشونت ویژگی کلیدی جنگ است، اما جنگ‌های جدید و آینده از طریق پیروزی نظامی خاتمه نمی یابند (Kaldor, 2005: 221).

از طرف دیگر کنوانسیون‌ها و سایر شرایط حیاتی، قانونی را به گونه‌ای تنظیم کرده است که برخی کنشگران بر این واداشته است مسیر دیگری به غیر از جنگ فیزیکی انتخاب کنند تا بتوانند به اهدافشان برسند و چنین قواعد قانونی مانند کنوانسیون‌های ژنو دست و پا گیر آن‌ها نباشد (Marsili, 2023: 42). همین روند باعث شده که در حال حاضر (۲۰۲۴) دنیا با جنگ‌های جدیدی روبرو باشد. مانند جنگ‌های هیبریدی و شناختی که در عصر کنونی از جنگ‌های پرتعدادترین و رایج‌ترین به شمار می روند. البته نباید فراموش کرد که این نوع جنگ‌ها هنوز با ابهاماتی روبرو هستند، اما آنچه باعث شد که به چنین جنگ‌های توجیه شود دو مسئله «جنگ روسیه و اوکراین» و «ویروس کرونا» می باشد. لذا از آنجایی که ضرورت دارد این مسئله در جامعه علمی کشور ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. نویسندگان این مقاله بر آن واداشته است تا با رویکرد توصیفی-تیینی به این مسئله خصوصاً در مورد دشمن شماره یک جمهوری اسلامی ایران یعنی آمریکا بپردازد. در واقع در نظر دارند به صورت جامع و دقیق به این پرسش «جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه ج.ا.ایران چگونه قابل ارزیابی است؟» پاسخ دهند. از این رو در ادامه ابتدا پیشینه تحقیق در این مورد اشاره خواهد شد و این که مقاله پیش رو چه نوآوری دارد. در ادامه به طور مفصل

¹ Sun Tzū

² Clausewitz

³ Kaldor

جنگ هیبریدی و شناختی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

جنگ هیبریدی و شناختی مورد واکاوی قرار می‌دهد. سپس به موضوع اصلی مقاله یعنی جنگ هیبریدی و شناختی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت و در نهایت با یک نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

۱- پیشینه تحقیق

در طی چند سال گذشته که توجه ویژه‌ای به جنگ هیبریدی و شناختی شده است، محتوای پژوهشی قابل توجهی در رابطه با این نوع جنگ‌ها به چاپ رسیده است؛ اما در رابطه با موضوع پژوهش حاضر محتوای قابل توجهی منتشر نشده است و اگر هم منتشر شده به صورت پراکنده بوده است. در مجموع مهم‌ترین پژوهش‌های که در این حوزه انجام گرفته و می‌تواند به پژوهش پیش‌رو کمک کنند، برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

جدول-۱. پیشینه تحقیق

عنوان (مقاله / کتاب)	نویسنده / نویسندگان	سال انتشار	یافته‌های تحقیق
تدوین راهبردهای جنگ احتمالی آینده با تأکید بر اجرای جنگ هیبریدی	فتح الله کلانتری	۱۳۹۵	بر اساس مدل SWOT تعداد ۷ راهبرد خرد ارائه گردیده که پس از تلفیق آن با ۵ ویژگی راهبردی، بنیادی و مهم جنگ آینده، ۴ راهبرد کلان استخراج شده و در نهایت ۱۰ پیشنهاد مناسب ارائه شده است. از ۴ سناریو پیش بینی شده جهت جنگ‌های ترکیبی آینده، دو سناریوی آن (ترکیب جنگ کنترل از راه دور با جنگ باتلاقی) به صورت ترکیبی برای ج.ا.ایران متصور می‌باشد.
تحلیل جنگ ترکیبی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران	محمد هادی راجی و اصغر افتخاری	۱۳۹۸	جنگ ترکیبی اعمال شده غرب علیه ج.ا.ایران مبتنی بر نظریه پیچیدگی قابل پردازش می‌باشد. این مدل از جنگ در برهم کنشی چند سطحی و پیچیده در ساحات فیزیکی و محیط اطلاعاتی به ایجاد تأثیرات شناختی منجر می‌شود و فرآیند تصویر، ادراک و کنش بازیگر هدف را مورد تأثیر قرار می‌دهد.
جنگ هیبریدی : رویکرد ایالات متحده آمریکا در	هادی ابراهیمی کیایی	۱۳۹۹	ناکامی آمریکا از رویکرد جنگ سخت نظیر حمله به طبرس، جنگ عراق و نیز تهدید نظامی و یا رویکرد جنگ نرم نظیر تبلیغات، جنگ روان، سبب شد تا

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

در آغاز دهه ی پنجم رویکردی جنگ ترکیبی را علیه ایران دنبال نموده و با برشمردن شاخص‌های این نوع از جنگ، به بررسی مولفه های جنگ ترکیبی آمریکا در قبال ایران پرداخته است.			مواجهه با جمهوری اسلامی ایران
۸ مؤلفه روانی، اطلاعاتی، اقتصادی، دیپلماسی- سیاسی، سایبری، نیروهای نظامی منظم و نیروهای ویژه و حمایت از درگیری‌های داخلی، مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ ترکیبی هستند و تعداد ۵۳ ابزار برای مؤلفه‌های یادشده تعیین گردیده است.	۱۴۰۰	ریاضی و همکاران	مؤلفه‌ها و ابزارهای جنگ ترکیبی آمریکا علیه ج.ا.ایران
هدف تحلیل منطقی و مفهومی جنگ شناختی و توصیف و ترسیم شبکه مفهومی آن است.	۱۴۰۱	حسن محجوب و سعید شکوری	جنگ شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ شناختی
کشور ایران هم اکنون در شرایط کم بازدارندگی/ بازدارندگی نامکفی قرار دارد به این معنا که به رغم موفقیت‌های بزرگ و حیاتی در عرصه بازدارندگی دفاعی و نظامی، مع الاسف در حوزه بازدارندگی اطلاعاتی نتوانسته آنگونه که باید و شاید توازن راهبردی بازدارنده محور با سرویس اطلاعاتی حریف را در این زمینه ایجاد نماید. لذا فقدان توان بازدارندگی اطلاعاتی از نوع انکار، اصولاً به تسلیم پذیری در برابر دیپلماسی اجبار یا پرداخت هزینه های سنگین و بعضاً غیرقابل جبران امنیت ملی می‌انجامد.	۱۴۰۲	روح الله قادری کنگاوری	جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به روایت دیپلماسی و مذاکره؛ از دیپلماسی اجبار تا بازدارندگی اطلاعاتی
فعالیت‌های ترکیبی شامل جنگ سایبری، جنگ اطلاعاتی و مفهوم نوظهور و در حال تکامل جنگ شناختی است. این جنگ‌ها با شروع مناقشه روسیه و اوکراین توجه عمومی را به خود جلب کردند و رایج شده است.	۲۰۲۳	مارکو مارسیلی ^۲	جنگ روی نقشه: سایبری، اطلاعات، جنگ شناختی و متاورس ^۱

¹ Guerre à la Carte: Cyber, Information, Cognitive Warfare and the Metaverse

² Marco Marsili

بدون شک منابع اشاره شده در کلیات می‌توانند برای مقاله پیش‌رو مفید باشند، اما آنچه موجب گردیده است تا پژوهش پیش‌رو از سایر آثار نگاشته شده در این باره متفاوت باشد، تأثیر جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه ج.ا.ایران است که در سایر آثار نادیده گرفته شده است.

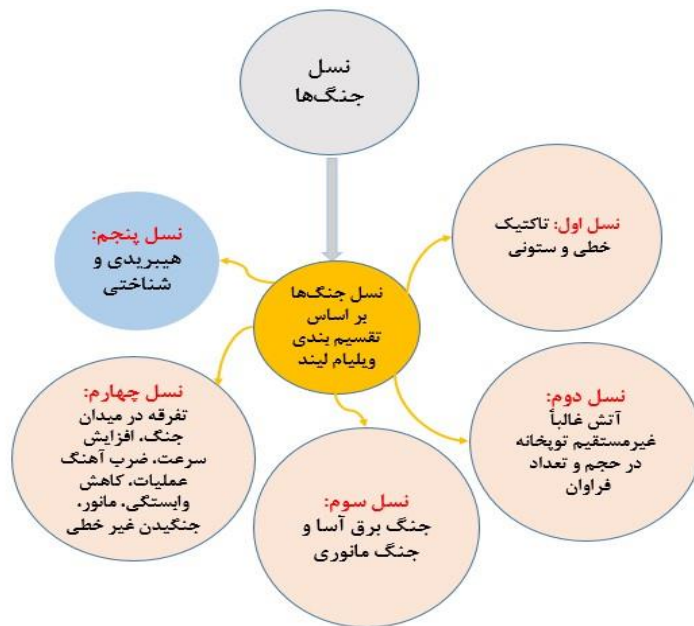
۲- روش پژوهش

برای درک و بررسی هر پدیده یا واقعیت، نیاز است که آن را در یک چارچوب روش شناختی یا قالب منسجم قرار دهیم. این کار به ما کمک می‌کند تا موضوع مورد بررسی را به صورت سازمان‌یافته و سیستماتیک تحلیل کنیم و بتوانیم ارتباطات میان بخش‌های مختلف آن را نشان دهیم. مقاله پیش‌رو نیز از این قاعده پیروی می‌کند (Saeedirad & Tavana, 2016: 38). بنابراین پژوهش حاضر از حیث نوع، کاربردی است و به دنبال پردازش جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد داده‌ها گردآوری شده و با مراجعه به منابع مرتبط در این زمینه به دنبال این بوده که ابعاد مختلف و مصادقی موضوع را شناسایی و مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

۳- چارچوب مفهومی: نسل جدید جنگ‌ها (هیبریدی و شناختی)

بسیاری از نظریه پردازان حوزه نظامی معتقدند که جنگ نیز مانند سایر پدیده‌های انسانی همگام با تکامل فناوری، مؤلفه‌های جامعه شناختی و حتی پارادایم‌های علوم تجربی، شناختی و... در روند تکاملی قرار دارد و در این دوره زمانی نیز بخشی از فرآیند تکاملی - تغییر خود را طی می‌کنند (Ghasemi & Esmaili Farzin, 2017: 60). در این راستا ویلیام لیند^۱، جنگ‌ها را به چند نسل تقسیم می‌کند. که جنگ هیبریدی و شناختی مورد نظر نویسندگان در دسته پنجم قرار دارد (Lind, 2004:12-14). لذا در ابتدا با اشاره کوتاه از نسل اول تا چهارم به‌طور مفصل به دو جنگ هیبریدی و شناختی که نسل جدید جنگ‌ها به شمار می‌روند، اشاره خواهد شد.

¹ William Lind



نمودار-۱. نسل جنگ‌ها بر اساس تقسیم بندی ویلیام لیند

نسل اول جنگ، دارای تاکتیک خطی و ستونی بود؛ نبردها در آن شکل مشخص داشتند و در میدان نبرد نظام تابعیت حاکم بود. نسل دوم، با استفاده از آتش غالباً غیرمستقیم توپخانه در حجم و تعداد فراوان صورت می‌گرفت. هدف آن فرسایش نیروهای دشمن و دکترین آن بود. نسل سوم، محصول جنگ جهانی اول است. ارتش آلمان طراح آن به شمار می‌رود و به جنگ برق آسا و جنگ مانوری معروف است. این جنگ بیشتر بر سرعت، غافلگیری، عوامل روانی و همچنین جابجایی فیزیکی متکی بود. نسل چهارم، بیشتر بر روی تفرقه در میدان جنگ، افزایش سرعت، ضرب آهنگ عملیات، کاهش وابستگی، مانور، جنگیدن غیر خطی و... تمرکز دارد. مرجع آن فقط دولت نیست و دنیای فرهنگ‌ها را در بر می‌گیرد (Ghasemi & Esmaili Farzin, 2017: 60-62). اما در حال حاضر دنیا با نسل جدیدی (نسل پنجم) از جنگ‌ها روبرو می‌باشد که در ادامه به دو تا از مهم‌ترین آن‌ها که مورد نظر نویسندگان می‌باشد، پرداخته خواهد شد:

۱-۳- جنگ هیبریدی

اصطلاح «هیبرید» در ابتدا در ترماولوژی یا علم پرورش حیوانات و گیاهان اهلی برای اشاره به تلاقی دو اصل و نسب مختلف استفاده می‌شد، اما از آن زمان این اصطلاح برای توصیف استفاده از چندین ابزار در ترکیب، مانند خودروهای هیبریدی که هم با بنزین و هم برق کار می‌کنند. با

وفاداری به این ریشه شناسی، تصور می شود که اصطلاح «جنگ ترکیبی» به نوعی از جنگ اشاره دارد که ابزارهای سنتی جنگ نظامی را با ابزارهای مختلف جنگ غیرنظامی ترکیب می کند. نظرات بسیاری از تحلیل گران در این مورد کاملاً موافق است. با این حال، آنچه در میان تحلیل گران بسیار متفاوت است، نحوه قرار دادن جنگ هیبریدی در رابطه با جنگ نظامی تمام عیار است. جنگ نظامی تمام عیار در اینجا به درگیری با شدت بالا بین نیروهای منظم دو یا چند ایالت اشاره دارد که هر کدام از قابلیت های قدرت آتش خود استفاده می کنند (Goro, 2024: 1-2).

آنچه مسلم است به علت پیچیدگی و تنوع ابزارها، کنش ها و واکنش ها در جنگ هیبریدی تعریف واحدی از آن موجود نیست. هر گاه ترکیبی از مؤلفه های ذیل مورد استفاده قرار گیرد، جنگ هیبریدی در جریان است. ترکیبی از عملیات نظامی، دیپلماتیک، سایبری و اطلاعاتی تشکیل دهنده جنگ هیبریدی است. جنگ های پیچیده پرابهام، پرابزار و متنوع از ویژگی های جنگ هیبریدی است.

آنچه مدل هیبریدی تنش را از سایر مدل ها مجزا می کند، شیوه ای است که از طریق آن خطوط بین جنگ و صلح را مبهم می کند. تاکنون تعریف مشخصی از جنگ های هیبریدی بیان نشده است چرا که حدود مشخصی برای آن مشخص نیست (Jolani & Foulidi, 2018: 32).

تا قبل از پایان جنگ سرد مثلث سنتی جنگ یعنی حکومت، قدرت نظامی و مردم مطرح بود؛ اما در جنگ هیبریدی از ابزارهایی همچون جنگ دیپلماتیک، نیروهای ویژه، نیروهای نامنظم و چریکی، جنگ های کلاسیک نظامی، جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی، حمله سایبری، جنگ اقتصادی، حمایت از آشوب های داخلی استفاده می گردد. چرا که جنگ هیبریدی به دنبال تغییر تعریف جنگ های مستقیم نیست؛ بلکه ترکیبی از انواع جنگ ها را در کنار هم می بیند. در این تعریف جنگ های مستقیم جزئی از جنگ هیبریدی است. به عنوان مصداق یکی از تفاوت های جنگ هیبریدی با جنگ های کلاسیک در میزان نوع و شدت تلفات است. در جنگ های مستقیم تلفات جانی بسیار متداول است، اما در جنگ های هیبریدی احتمال دارد که با حمله سایبری یکی از نهادهای کشور مورد حمله قرار گیرد. در جنگ های اقتصادی امکان دارد فقر، تورم، بیکاری و رکود در جامعه هدف فراگیر شود. در جنگ های پروپاگاندا (تبلیغاتی) ممکن است فرهنگ یک کشور مورد حمله قرار گیرد. جنس تلفات در این گونه جنگ ها متفاوت شده و میزان تلفات به شدت کاهش یافته است.



نمودار-۲. مؤلفه‌های جنگ هیبریدی (Ebrahimikiapei, 2020: 162; Munich Security Report, 2015: 35)

۲-۳- جنگ شناختی

شامل اقدامات و ابزارهایی است که نهادها یا موجودیت‌های شکل دهند و راهبردی در یک نبرد خاص، با توسل به این ابزارها و اقدام‌ها بر شناخت جامعه هدف تأثیر می‌گذارند یا در آن‌ها نفوذ می‌کنند و یا این که از نفوذ و تأثیرگذاری در میان آن‌ها جلوگیری به عمل می‌آورند. همچنین مجموعه‌ای از اقدامات با استفاده از روش‌های آشکار و پنهان برای تأثیرگذاری گسترده بر جوامع هدف و تصمیم‌گیران می‌باشد. این اقدامات با هدف مشترک خود در پی نفوذ یا تأثیرگذاری بر شناخت مردم می‌آیند و می‌توانند همزمان یا به تدریج محقق گردند. اقداماتی که برای اثرگذاری بر شناخت انجام می‌شوند، عموماً بین جوامع هدف مختلف، تمایز قائل می‌شوند. هدف این جنگ فراهم کردن بسترهایی است که جامعه هدف، نوعی از برداشت را نسبت به واقعیت برگزیند. به گونه‌ای که طرف اقدام‌کننده درصدد تحمیل آن از طریق تحقق بخشیدن به اهداف حساس راهبردی و عملیاتی خویش است (Hajizadeh, 2022: 109-110).

۴- همپوشانی‌های جنگ هیبریدی و شناختی

فوکو برداشت سنتی کلاوزویتس از جنگ را وارونه می‌کند و می‌گوید که سیاست ادامه جنگ با ابزارهای دیگر است (Marsili, 2021: 19). جنگ ترکیبی مفهومی است که شامل طیف

جنگ هیبریدی و شناختی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

وسیعی از ابزارها- دسته‌ای از تکنیک‌ها، روش‌ها، فن‌آوری‌ها، تاکتیک‌ها، رویه‌ها و وسایل مختلف، نظامی و غیرنظامی، متعارف و غیرمتعارف- برای دستیابی به یک هدف سیاسی یا نظامی است (Marsili, 2021: 151). اطلاعات نادرست، فریب الکترونیک، جنگ الکترونیک و جنگ روانی معمولاً قانونی پذیرفته شده‌اند و بنابراین هیچ قاعده کلی حقوق بین‌الملل مربوط به درگیری‌های مسلحانه را نقض نمی‌کنند، تا زمانی که متضمن خیانت نباشد (U.S. Department of the Army, 1976).

تعریف اتحادیه اروپا از فعالیت‌های ترکیبی از حملات سایبری گرفته تا اطلاعات نادرست را شامل می‌شود. ترکیبی از «اقدامات قهری و خرابکارانه، با استفاده از ابزارها و تاکتیک‌های متعارف و غیرمتعارف (دیپلماتیک، نظامی، اقتصادی و فناوری)» (Marsili, 2023: 42-43). استفاده از این تاکتیک‌ها با هدف قرار دادن نهادهای سیاسی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی، با پیشرفت‌های سریع فناوری همراه است (Marsili, 2021: 155).

در اجلاس ورشو در سال ۲۰۱۶ تعریف مبهمی از جنگ هیبریدی و شناختی را تأیید کردند: «ترکیبی گسترده، پیچیده و سازگار از وسایل متعارف و غیرمتعارف و اقدامات آشکار و پنهان نظامی، شبه نظامی و غیرنظامی که در طراحی بسیار یکپارچه توسط بازیگران دولتی و غیردولتی برای دستیابی به هدف خود است» (Heads of State and Government, 2016). وزارت دفاع ایالات متحده، به‌طور رسمی تعریفی ارائه نکرده است، زیرا جنگ هیبریدی و شناختی شکل جدیدی از جنگ‌ها در نظر نگرفته‌اند، چرا که آن‌ها را یک جنگ بسیار گسترده می‌دانند که جنگ متعارف را ترکیب می‌کند (U.S. Government Accountability Office, 2010: 14).

در این راستا، ماتوشک^۱ اذعان دارد که ترفندهای جنگ، که فراتر از قابلیت‌های نظامی متعارف است، صرفاً ابزارهای خلاقانه، هوشمندانه و غیرمتعارفی هستند (Matuszczyk, 2012: 21). در مجموع اگرچه تعریف مشترکی از این جنگ‌ها وجود ندارد، اما گنجاندن عملیات‌های تبلیغاتی، اطلاعاتی و نفوذ، فریب و عملیات روانی به‌طور گسترده در این جنگ‌ها پذیرفته شده است. جنگ اطلاعاتی شامل مجموعه‌ای از فنون و فن‌آوری‌ها است که از جنگ الکترونیک تا تبلیغات را در بر می‌گیرد، مانند: جنگ الکترونیک^۲، عملیات طیف الکترومغناطیسی^۳، عملیات

¹ Matuszczyk

² EW

³ EMSO

فضای سایبری^۱، جنگ اطلاعاتی^۲، عملیات روانی^۳، که اکنون بیشتر به عنوان عملیات پشتیبانی اطلاعات نظامی^۴، عملیات اطلاعاتی^۵، همچنین به عنوان عملیات نفوذ، ارتباطات استراتژیک^۶، فریب نظامی^۷، عملیات شبکه کامپیوتری^۸، امنیت عملیات^۹، مدیریت ادراک^{۱۰}، اطلاعات عمومی^{۱۱}، و عمومی شناخته می شود (Marsili, 2021: 151-154). در مجموع جهان امروز با استفاده گسترده از ارتباطات و رسانه‌های دیجیتال سیار مشخص می شود که در فضاها دیجیتال عمدتاً بدون حکومت عمل می کنند (U.S. Marine Corps, 2022).

۵- ماهیت و وضعیت جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه ج.ا.ایران

در حال حاضر تهدیدات علیه ج.ا.ایران را می بایست مبتنی بر رویکرد جنگ هیبریدی و شناختی تفسیر کرد. «آندرو کوریبکو»^{۱۲} نویسنده کتاب «جنگ شناختی؛ رویکردی برای تغییر نظام» نوع مواجهه آمریکا با ج.ا.ایران را مبتنی بر الگوی جنگ شناختی توصیف کرده و هدف آمریکا از این جنگ شناختی را بی ثبات سازی قدرت‌های بزرگ اوراسیا (روسیه، چین و ایران) و طولانی کردن هژمونی ایالات متحده آمریکا بر دنیا دانسته است (Andrew, 2020: 70).

با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر سیاست‌های ج.ا.ایران، موجب شد آمریکا، رویکردهای گوناگونی را برای مهار ایران و بازگشت شرایط پیش از انقلاب اسلامی به کار گیرد. آمریکا بارها به طور آشکار، دشمنی خود را با ایرانی قوی در منطقه اعلام کرد و حملات نظامی متعددی مانند حمله به طبرس، جنگ عراق، حمله ناو آمریکایی به هواپیمای مسافربری ایران تدارک دید. اما شکست آن در حملات اشاره شده (جنگ سخت) زمینه ساز اتخاذ جنگ هیبریدی و شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران گردید.

¹ CO

² IW

³ PSYOP

⁴ MISO

⁵ InfoOps

⁶ STRATCOM

⁷ MILDEC

⁸ CNO

⁹ OPSEC

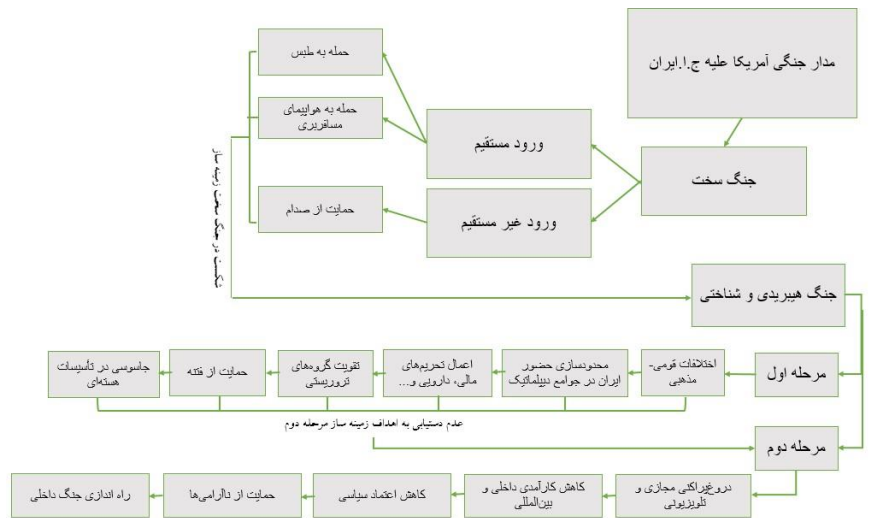
¹⁰ PM

¹¹ PI

¹² Andrew Korybko

جنگ شناختی ایالات متحده آمریکا علیه ج.ا.ایران را می‌توان در ابعاد نظامی، ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی، تروریسم، جنگ روانی و اطلاعاتی، جنگ سایبر، جنگ دیپلماتیک، جنگ اقتصادی و جنگ رسانه‌ای بررسی کرد. تهدید مداوم تمامیت ارضی ایران توسط دولت‌های غربی به رهبری آمریکا نظیر جنگ ایران و عراق، آتش‌افکنی در اختلافات قومی-مذهبی و سیاسی هم‌چون حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و ایجاد فتنه ۸۸، تقویت گروه‌های تروریستی به‌منظور ایجاد ناامنی و فشار بر ایران نظیر ترور چهره‌های علمی، سیاسی و نظامی، استفاده از ویروس‌ها و بدافزارهای مدرن و پیچیده نظیر بدافزار «استاکس‌نت» با هدف جاسوسی در تأسیسات هسته‌ای نطنز، محدودسازی حضور ایران در جوامع دیپلماتیک، اعمال تحریم‌های مالی و دارویی و ساخت صدها سایت و شبکه‌های دروغ‌پراکنی مجازی و تلویزیونی فارسی‌زبان، نمونه‌هایی از ابعاد گوناگون جنگ هیبریدی و شناختی کشورهای متخاصم علیه ایران است (kalantari & Hosseini, 2024: 10). اندیشکده‌ها و استراتژیست‌های آمریکایی بر این باورند که قدرت ایران در چند سال آینده، قابل کنترل نخواهد بود؛ به همین دلیل خواستار تأثیرات عمیق ذهنی بر جامعه ایران هستند (Gardner, 2021: 385). آن‌ها با بکارگیری حرب‌های متفاوت نظیر تغییر واقعیت در رابطه با نقاط قوت، کاهش کارآمدی داخلی و بین‌المللی، افزایش حس ناکامی اجتماعی و کاهش اعتماد سیاسی مردم نسبت به اوضاع کشور، تلاش می‌کنند مردم ایران ناامیدی و ناکارآمدی را به‌عنوان عضو اجتناب‌ناپذیر جامعه بپذیرند. ناآرامی‌های پاییز ۱۴۰۱ نمونه‌ای دیگر از پروژه‌های جنگ شناختی برای خدشه‌دار کردن امنیت موجود در کشور است که با رویکردی شناختی سعی دارد مردم را در مقابل حکومت و مسئولان قرار دهند. در این اغتشاشات، دولت‌های استکباری با هزینه‌های گزاف، ابزارهای گوناگونی را برای دستیابی به اهداف خود به کار بسته و گروه‌های متفاوتی از قبیل سلطنت‌طلبان، تجزیه‌طلبان، منافقین و... را به‌عنوان کارگزار عملیات‌های خود در نظر گرفته‌اند. پس از سازماندهی اعتراضات، دشمنان انقلاب به رهبری آمریکا درصدد تبدیل اعتراضات عادی به ویرانگری، خشونت علیه هم‌نوعان و اغتشاش با هدف سرکوب از طرف حکومت و خشمگین‌تر شدن مردم برآمدند. هدف دشمن در این اغتشاشات بدون رهبر که هیچ خط فکری مشخصی نیز دنبال نمی‌شد، استفاده از تمامی گروه‌های فکری برای ایجاد جنگ داخلی بود (Bayat, 2023: 7).

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی



نمودار-۳. مدار جنگی آمریکا علیه ج.ا.ایران از سخت تا هیبریدی و شناختی

بنابراین، تنوع حملات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (اعم از حملات سایبری، حمایت از ناآرامی‌ها و شورش‌های داخلی، تحریم‌های اقتصادی، حمایت از نیروهای تجزیه طلب فعالیت‌های دیپلماتیک جهت منزوی ساختن ایران و...) مؤید آن است که الگوی تهدیدات امنیتی ایران به سمت هیبریدی و شناختی پیش رفته است. سال‌نمای امنیت ملی ج.ا.ایران هم که با رویکردی تخصصی به بررسی مسائل امنیت ملی کشور پرداخته است، چالش‌های حوزه امنیت ملی را چند ساحتی، پیچیده و گسترده نشان می‌دهد و آن‌ها را در بازده محور مختلف دسته‌بندی کرده است که نشان از چندساحتی شدن و پیچیده شدن امنیت ملی در ایران دارد (kalantari & Hosseini, 2023).

۶- مؤلفه‌های جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه ج.ا.ایران

با توجه به مطالب یاد شده، ایالات متحده آمریکا آشکارا جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های آن را دشمن خود تعریف کرده و در طول ۴ دهه گذشته تا کنون، تمامی هدف‌گذاری‌ها و سیاست‌های خود در قبال ایران را در تضعیف ج.ا.ایران قرار داده است. در مجموع مهم‌ترین

۱. این محورها عبارت‌اند از: سیاسی - امنیتی، حقوقی - قضایی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، زیرساخت و دارایی‌های حیاتی، زیستی محیطی، نظامی - دفاعی، مسائل سیاست خارجی ایران، محیط پیرامونی و محیط منطقه‌ای.

جنگ هیبریدی و شناختی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

عواملی که می‌توان در قالب جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه ایران گنجانند، در چهار دسته ذیل می‌توان اشاره کرد که در ادامه به طور مفصل به آن‌ها اشاره خواهد شد:



نمودار-۴. مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه ج.ا.ایران

۱-۶- حمایت از اعتراضات و اغتشاشات

بدون شک افزایش آگاهی‌ها، ارتباط مجازی، افزایش نیازها، خواسته‌های گوناگون عامه مردم و... زمینه‌ساز افزایش فشار به بازیگران رسمی یا همان دولت‌ها شده است. از آنجا که امکانات محدودی در برابر این خواسته‌ها وجود دارد، امکان رسیدگی به همه انتظارات جامعه تقریباً امکان پذیر نیست، موجب پیدایش و گسترش اعتراضات و شورش‌ها در جوامع مختلف می‌شود. در واقع نوآوری جنگ هیبریدی و شناختی همین است که نیروهای منظم و نامنظم می‌توانند همزمان وارد یک درگیری فعال اجتماعی، دستکاری شده یا اجباری علیه دولت مشخص شوند و می‌توانند با استفاده از همین روش‌های قانونی و غیرقانونی، مستقیم بر دولت هدف تأثیرگذار باشند و آن را وارد یک منازعه و بحران طولانی و سخت کنند. به عنوان مثال می‌توان اعتراضات و اغتشاشات دو دهه گذشته در کشور ایران را در همین راستا دانست. بنابراین آنچه در حال حاضر این ناآرامی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بی‌شک ستیز میان ایران و آمریکا است. طی دو دهه گذشته تظاهرات و بعضاً ناآرامی‌هایی در سطح منطقه رخ داده که نشان دهنده این موضوع بوده‌اند. به عنوان مثال می‌توان ناآرامی‌های چندسال اخیر در عراق به‌ویژه سال ۲۰۱۹ که گروه‌هایی تحت رهبری مقتدا صدر بر علیه ایران شعار می‌دادند تا بتوانند نفوذ و قدرت ایران در کشور عراق که طی سالیان متمادی کسب کرده بود را به صورت قابل ملاحظه‌ای کاهش دهند. برای این کار از موضوعات

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

نژادی، قومی و مذهبی نهایت استفاده را کردند. شاهد مثال دیگر تظاهراتها در کشور لبنان بود که بعضاً شعارها بوی ضد ایرانی بودن می دادند و کاهش قدرت متحد راهبردی ایران یعنی حزب الله لبنان را می خواستند. حتی ناآرامی های اجتماعی ایران نیز می توان در راستای امتیازگیری از ایران در سطح منطقه، کاهش نفوذ و قدرت ایران برشمرد.

جدول-۲. روش سه گانه آمریکا از اعتراضات علیه ج.ا.ایران

تشدید اعتراضات توسط آمریکا علیه ج.ا.ایران	
اعتراضات با نگاه جنگ	حمایت از اعتراضات و اغتشاشات دو دهه گذشته
هیبریدی و شناختی آمریکا	حمایت از ناآرامی های چندسال اخیر در عراق به ویژه سال ۲۰۱۹
علیه ج.ا.ایران	حمایت از تظاهراتها در کشور لبنان با شعار ضد ایرانی

۲-۶- جنگ روانی^۱ - اطلاعاتی^۲

ایالات متحده آمریکا از جنگ اطلاعاتی علیه دشمنان و رقبای خود به خصوص جمهوری اسلامی ایران استفاده می کند (Karimi, 1993: 81). در جنگ روانی - اطلاعاتی برخلاف جنگ رسانه ای که برای تأثیر گذاری بر ذهنیت آحاد مردم جامعه به اجرا در می آید، به دنبال تغییر محاسبات مسئولان حکومت هدف است. رهبر معظم انقلاب در این رابطه فرمودند که آمریکا به دنبال ایجاد خطای محاسباتی در تصمیم گیری مسئولان است: «مسئولان آماده این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئولان جمهوری اسلامی به این نتیجه برسند که با ملاحظه هزینه و فایده احساس کنند که باید این اقدام را بکنند، این اقدام را نکنند؛ نفوذ برای این است که به این نتیجه برسند که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کنند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود.» (Khamenei, 2016/3/10).

^۱ جنگ روانی به معنای فرآیند طراحی شده و منسجم بهره برداری از تبلیغات و اقدامات با استفاده از ابزارهای نظامی، اقتصادی یا سیاسی است. هدف اصلی آن نفوذ در باورها، احساسات، عواطف، تمایلات و رفتار مخاطبان (شامل دشمنان، بی طرفان، همپیمانان و دوستان) و تأثیرگذاری بر آنان به منظور دستیابی به پیروزی در جنگ، تسلیم کامل نیروهای دشمن و تضعیف روحیه آنها می باشد (Zulfiqari, 2012: 23).

^۲ اعمالی که به قصد حفاظت، بهره برداری، تخریب، تکذیب و یا انهدام اطلاعات و منابع آن جهت دستیابی به برتری قابل ملاحظه و یا پیروزی بر دشمن انجام می گیرد (Niazi & Moradi, 2006: 188).

جنگ هیبریدی و شناختی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

در مجموع می‌توان به برخی از روش‌ها و راهنکش‌های (تاکتیک‌ها) جنگ روانی-اطلاعاتی که آمریکا در سالیان گذشته تا کنون علیه جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته در جدول شماره ۳ خلاصه کرد:

جدول-۳. مولفه‌های جنگ روانی-اطلاعاتی آمریکا علیه ج.ا.ایران

جنگ روانی	جنگ اطلاعاتی
معرفی چهره ترسناک از اسلام و ج.ا.ایران نزد افکار عمومی	دادن تسهیلات و آزادی بیشتر به کاربران اینترنت در ایران
تبلیغات رسانه‌ای	به کارگیری جاسوسان ایرانی
تلاش برای تضعیف نظام در میان اقشار مختلف مردم	اعزام و بکارگیری جاسوسان خارجی و سرویس اطلاعاتی دشمنان
معرفی از تصویر مطلوب از آزادی و مردم سالاری آمریکا در میان مردم ایران	استفاده از اطلاعات منابع باز و فنی
القای افکار منفی مبتنی بر اجماع جهانی علیه ایران	استفاده از جاسوسی اینترنتی
افزایش فشار حداکثری تحریم‌های مالی و پولی	افکار سازی از راه فضای مجازی
تحریف واقعیت‌ها	نفوذ و خرابکاری اینترنتی

(Riyazi, Akbari, Bajlani & Akbari, 2021: 50- 51)

۳-۶- جنگ سایبری

جنگ سایبری شامل حمله‌های دیجیتالی به شبکه‌ها، سامانه‌ها و اطلاعات کشور دیگری با هدف صدمه زدن به آن‌هاست. این حمله‌ها ممکن است حاوی تخریب، تغییر یا به سرقت بردن اطلاعات یا از دسترس خارج کردن خدمات بر خط باشد که جامعه نظامی و یا جامعه‌های بزرگتر از آن‌ها استفاده کنند (Jafari & Asadi, 2017: 61). جنگ‌های سایبری نیز با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، امکان حمله به نهادهای مالی، زیرساخت‌های کلیدی و سیستم‌های کنترلی در حوزه‌های انرژی، ارتباطات، اطلاعات و حمل و نقل وجود دارد. علاوه بر این، چنین حملات سایبری می‌توانند به‌طور جدی بر افکار عمومی و روحیه ملی جامعه هدف تأثیرگذار باشند (Mahpishanian, 2010: 96).

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

خرابکاری سایبری به‌عنوان ابعادی نوین از جنگ ترکیبی، به تشدید بی‌اعتمادی میان رقبای بین‌المللی منجر می‌شود. این نوع جنگ مشابه به عملیات پرچم دروغین، حملات انتحاری، اقدامات داخلی، آدم‌ربایی، استفاده از هواپیماهای تجاری به‌عنوان ابزار تهاجمی و سوءاستفاده از کمک‌های بشردوستانه برای قاچاق مواد مخدر و تسلیحات عمل می‌کند. در شرایط کنونی، مهاجمان سایبری قادرند اطلاعات حساس از نهادهای خصوصی و دولتی را استخراج کنند، ارتباطات را مختل نمایند و زیرساخت‌های حیاتی را تخریب یا غیرفعال سازند. نمونه‌ای بارز از خرابکاری سایبری، بدافزار استاکس‌نت است که به‌طور مشترک توسط ایالات متحده و رژیم صهیونیستی برای هدف‌گذاری تأسیسات هسته‌ای نطنز در ایران طراحی و به کار گرفته شد.

در سال‌های اخیر، ایران با چندین حمله سایبری مواجه شده که برخی از آن‌ها توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده‌اند. این حملات عمدتاً با اهداف جاسوسی و تخریب انجام می‌شوند. به‌عنوان مثال، بدافزارهای استاکس‌نت و فلیم از جمله پیچیده‌ترین بدافزارهایی هستند که علیه جمهوری اسلامی ایران به کار رفته‌اند. این نوع بدافزارها، می‌توانند به سرعت عناصر تخریبی را منتشر کنند که از نظر شدت ویرانگری قابل مقایسه با سلاح‌های هسته‌ای هستند، اما استفاده از آن‌ها به مراتب آسان‌تر است. محکومیت استفاده از بدافزار به‌عنوان یک ابزار جنگی توسط مقامات روسیه و ایران نشان‌دهنده آن است که چنین حملاتی پتانسیل ایجاد مناقشات گسترده‌تری را دارند. در مجموع آمریکا نیز در این رابطه اقدام‌های زیادی علیه ج.ا.ایران داشته و دارد که به تعدادی از این موارد می‌توان اشاره کرد (جدول شماره ۴).

جدول-۴. مؤلفه‌های جنگ سایبری آمریکا علیه ایران

تشکیل گروه‌های سیاسی در فضای مجازی	جنگ سایبری که آمریکا در سالیان گذشته علیه ج.ا.ایران به کار گرفته
تشکیل اجتماعات مجازی	
شکل دادن به نافرمانی مدنی و انتقال مستقیم اندیشه‌ها از طریق شبکه‌های مجازی	
افکار سازی از راه فضای مجازی	
ایجاد گروه‌های فشار و صاحب نفوذ مجازی	
خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای	

(Riyazi, Akbari, Bajlani & Akbari, 2021: 51)

۴-۶- جنگ تبلیغاتی - رسانه‌ای

جنگ تبلیغاتی - رسانه‌ای به‌عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی جنگ‌های مدرن، به تهاجم به شناخت و احساسات جوامع هدف می‌پردازد. در این زمینه، استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌برداری از ظرفیت‌های مختلف آن‌ها، شامل مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو، تلویزیون، اینترنت و تکنیک‌های تبلیغاتی به منظور تقویت منافع ملی، به‌عنوان جنگ رسانه‌ای شناخته می‌شود. در دنیای معاصر، رسانه‌های دشمن با بهره‌گیری از تکنیک‌هایی نظیر بزرگ‌نمایی، بمباران اطلاعاتی و تحریف اخبار و افکار عمومی، به شکل مؤثری بر ذهنیت و درک عمومی تأثیر می‌گذارند (Moradi, 2011: 1).

مسئله جنگ رسانه‌ای شامل تحلیل و ارزیابی دقیق طیف گسترده‌ای از وب‌سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های تلویزیونی به زبان‌های مختلف، از جمله فارسی، است. این مقوله شامل فعالیت‌های کلیدی نظیر راه‌اندازی و مدیریت صفحات ضد انقلاب در پلت‌فرم‌هایی مانند تلگرام و توئیتر (ایکس)، انتشار اخبار نادرست و تحریک آمیز، فراخوان به اعتراضات و تجمعات و تشدید شکاف‌های اجتماعی است. علاوه بر این، این رسانه‌ها به تصویرسازی فعالیت‌های خود و ارائه آموزش‌های مرتبط با شورش در جامعه مدنی می‌پردازند، که موجب تقویت و سازماندهی نارضایتی‌های اجتماعی می‌شود.

اقتصادی‌ترین، ساده‌ترین و مؤثرترین روش برای دستیابی به پیروزی در جنگ، نفوذ به بازیگران مختلف صحنه نبرد (دوستان، دشمنان و بی‌طرفان) است. در این رویکرد، هدف ایجاد یک چرخه محرک - پاسخ است که به‌طور سیستماتیک به تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم‌سازی و تغییر رفتار طرف‌های درگیر می‌پردازد. این استراتژی به‌منظور تغییر دینامیک‌های موجود و دستیابی به نتایج مطلوب در صحنه نبرد طراحی می‌شود. یکی از مهم‌ترین رسانه‌ای که با حمایت جدی آمریکا و برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان به دنبال تأثیرگذاری بر افکار عمومی ایران داشت، شبکه ایران اینترنشنال بود و به دنبال آن برخی شبکه‌های ماهواره‌ای همچون بی‌بی‌سی که سابقه طولانی در این موضوع دارد، ایندیپندنت فارسی که امتیازش توسط عربستان خریداری و راه‌اندازی گردید، نیز توانست تأثیری بر جامعه ایران بگذارد. در طرف مقابل جمهوری اسلامی با راه‌اندازی شبکه‌هایی همچون کوثر، سحر، العام و ایران پرس و همکاری با شبکه‌های قطری هم‌چون الجزیره تأثیراتی بر دیدگاه جهان عرب همسایه ایران داشته است.

غربی‌ها با الهام از اصول جنگ هیبریدی و شناختی، به دنبال مدیریت تصویر جامعه ایرانی از وضعیت موجود و وضعیت مطلوب هستند. هدف آن‌ها افزایش ناکامی‌های ایران و معرفی آن به عنوان نتیجه پیگیری آرمان‌هاست. این استراتژی تلاش می‌کند تا جامعه ایرانی ناکامی‌ها و ناتوانی‌های خود را به آرمان‌ها و ارزش‌هایش نسبت دهد. این رویکرد بخشی از اهداف جنگ ترکیبی است که به مشروعیت‌زدایی از آرمان‌ها و ارزش‌ها نیز منجر می‌شود.

۷- پیامدهای جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه ج.ا.ایران

همان‌طور که فتح‌الله کلاتری و سید حسین حسینی در مقاله‌ای با عنوان «عوامل و روش‌های جنگ ترکیبی شبکه‌ای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» اشاره می‌کنند، می‌توان پیامدهای جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه ج.ا.ایران به دو دسته ذیل تقسیم نمود (kalantari & Hosseini, 2024):

۱-۷- زوال تهاجم نظامی

در وضعیت کنونی، امکان تهاجم نظامی گسترده علیه ایران کم رنگ شده است. جنگ نظامی با ایران هزینه‌های بالایی دارد و نتیجه آن نیز برای نیروی متجاوز مشخص نیست. به همین دلیل مقامات آمریکایی نیز از جنگ نظامی با ایران استقبال نمی‌کنند. «رابرت گیتس» وزیر دفاع جورج بوش، در کتاب خاطراتش می‌نویسد زمانی که ملک عبدالله به او می‌گوید که آمریکا به تأسیسات هسته‌ای و پایگاه‌های نظامی ایران حمله کند، او (گیتس) به شدت عصبانی شده و به عبدالله می‌گوید تا هنگامی که ایران به آمریکا و متحدانش در منطقه حمله‌ای نکرده، آمریکا در موقعیتی نیست که یک «جنگ پیشگیرانه» دیگر به راه اندازد (Gates, 2014:183).

«مایکل فلین» مشاور امنیت ملی سابق دونالد ترامپ نیز که خود سابقه حضور نظامی در عراق و افغانستان را داشته و از شدیدترین مخالفان ایران است؛ در کتاب «عرصه نبرد صراحتاً مخالفت خود را با جنگ نظامی علیه ایران اعلام می‌کند و می‌گوید: مؤثرترین حمله آن چیزی است که (آیت‌الله) خامنه‌ای از آن هراس دارد، درد و رنج توده مردم ایران است؛ او در ادامه می‌گوید، بهترین راه مبارزه، نشان دادن عدم توفیق انقلاب به مردم ایران است (Michael, 2021: 175). این مسئله نباید تنها به خواست دو تن از افراد مناسب، به جمهوری خواهی منحصر کرد، بلکه با بررسی بیشتر می‌توان فهمید این سخنان نمایانگر تحلیل بخش اعظم نظام تصمیم‌گیری در آمریکا است. چه آن که همچنان

¹ Michad T. Flynn

جنگ هیبریدی و شناختی ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران

نتایج لشکرکشی به عراق و افغانستان زیر سؤال است و حال آن که ایران امروز با عراق و افغانستان آن روزگار قابل مقایسه نیست.

۲-۷- تهاجم اقتصادی و رسانه‌ای

در دیگر سوا اما تهاجم اقتصادی و رسانه‌ای به پاشنه آشیل ج.ا.ایران تبدیل شده است. این دو جنبه در تهاجم ترکیبی دشمن خارجی نقش مکمل را ایفا می‌کنند تا در نهایت جمهوری اسلامی ایران را به واسطه ناکارآمدسازی و ناکارآمدنمایی تضعیف کنند. در سال‌های اخیر ناکارآمدسازی و ناکارآمدنمایی انقلاب اسلامی به خصوص در عرصه اقتصادی، عرصه اصلی نبرد جنگ ترکیبی علیه ایران بوده است که در این مسیر نیز متأسفانه شماری از مسئولین با تصمیمات خود-خواسته یا ناخواسته- عرصه و بستر جنگ ترکیبی را فراهم کردند (Bayat, 2023: 7).

نتیجه‌گیری

منطقه غرب آسیا یکی از حساس‌ترین مناطق جهان به شمار می‌رود که بیش از سایر مناطق می‌تواند شاهد گسترش جنگ‌های هیبریدی و شناختی باشد؛ خصوصاً جنگ اوکراین و روسیه این موضوع را به گونه‌ای تثبیت کرده است که جنگ کنشگران ضد همدیگر در منطقه غرب آسیا، جنگ هیبریدی و شناختی خواهد بود؛ با این نوع نگاه این پرسش به ذهن خطور کرده بود جنگ هیبریدی و شناختی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران چگونه قابل ارزیابی است. در مجموع نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد آمریکا علیه ج.ا.ایران از مدل‌های قدیمی مانند سخت‌افزاری گذشته است و هر به این نتیجه رسیده است که جنگ فیزیکی نتیجه قابل قبولی ارائه نخواهد داد و نیاز است تا از این مدل جنگ‌ها عبور کنند و با اجرای اقدامات پیچیده‌ای در حوزه‌های مختلف در قالب جنگ هیبریدی و شناختی به اهداف خود نزدیک‌تر شوند و تاکنون باعث شده دست به اقداماتی مانند تحریم‌های شدید اقتصادی، حملات سایبری، به کارگیری دیپلماسی بی‌سابقه علیه یکدیگر، تبلیغات، به کارگیری نیروی ویژه، حمایت از ناآرامی‌های داخلی و... بزنند که هر کدام از آن‌ها پتانسیل این را دارد تا نه تنها ایران، بلکه منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین غفلت از این نوع جنگ‌ها و عدم اتخاذ رویکرد مناسب در مواجهه با آن پیامدهای مخرب و غیرقابل جبرانی می‌تواند در پی داشته باشد. لذا مواجهه با جنگ هیبریدی و شناختی نیازمند یک هسته فکری منسجم، هیبریدی و نوآورانه است که با تشخیص ظرفیت‌های کشور امکان مقابله با راهبردهای ترکیبی دشمن را داشته باشد. در کل این مقاله فرصتی را برای دست‌اندرکاران سیاست

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

خارجی و فرماندهان نظامی فراهم می‌آورد تا با شناخت تاکتیک‌های جنگ هیبریدی و شناختی، بهره‌گیری از نخبگان سیاسی - نظامی راهبرد مناسبی را در مواجهه با آن به دست آورند تا بیشترین منافع را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار دهد. این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های متعددی در زمینه‌های مقابله با جنگ‌های هیبریدی و شناختی باشد تا در کوتاه‌ترین زمان نقاط قوت و ضعف ایران در این جنگ شناسایی شود و راهکارهایی برای ارتقا توان ایران در عرصه‌های مختلف ارائه دهند.

در مجموع جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی خود را از توان زدن ضربه اول منع کند به‌ویژه ظرفیت زدن ضربه اول انکار در دو عرصه دفاعی و اطلاعاتی. نوعی بازدارندگی تهاجمی افقی و عمودی در همه ابعاد و سطوح اعم از بری، بحری، جوی و فضایی. قدرت‌های بزرگ می‌خواهند این انحصار زدن ضربه اول فقط در اختیار خودشان باشد یعنی زنده‌ی ضربه‌ی اول هسته‌ای در دنیا غیر از خودشان کشور دیگری نباشد نباشیم. بنابراین نه تنها جمهوری اسلامی ایران، بلکه کلیه کشورهای منطقه باید به فکر خودیاری خودشان باشند و اگر ایران بتواند یک نوع موازنه‌ی قدرت و ثبات را در منطقه ایجاد کند، دیگر نیازی به حضور بیگانگان در منطقه نخواهد بود. این مسأله حق و یک الزام راهبردی برای جمهوری اسلامی و کشورهای منطقه است که به فکر خودیاری باشند و از حضور بیگانگان در منطقه بی‌نیاز باشند. بنابراین جنگ هیبریدی و شناختی به دنبال ستاندن اراده و ابتکار عمل از دشمن است تا رهبران جامعه نه فاعل بالاختیار که مفعول بالاضطرار در خدمت منافع ملی دشمن باشند. در چنین فضایی کوتاه کردن دست خارجی از تحولات داخلی ایران و تغییر سیاست مهار به سیاست تعامل با جمهوری اسلامی ایران جز در سایه افزایش موازنه قدرت و موازنه تهدید به‌ویژه ظرفیت سازی بازدارندگی اطلاعاتی و دیپلماسی اجبار غیرممکن است. پنهانکاری و فریبکاری در اهداف استراتژیک محصول ماهیت آنارشیک روابط بین‌الملل و سیاست تغییر رژیم غرب علیه کشورهای مستقل و خارج از مدار نظام سلطه است.

Translated References to English

- Andrew, K. (2020). Hybrid Wars: The Indirect Adaptive Approach To Regime Change. Moscow, Russia: peoples' Friendship University of Russia.
- Bayat, B. (2023). *analysis of riots of 1401*, Tehran, National Defense University. [In Persian]
- Ebrahimikiapei, H. (2020). Hybrid Warfare: The US Approach to the Islamic Republic of Iran. *International Relations Researches*, 10(2), 155-180. [In Persian]
- Gates, R. (2014). *Memoirs of secretary at war*.

- Gardner, H. (2015). *Hybrid Warfare: Iranian and Russian Versions of "Little Green Men" and Contemporary Conflict*. NATO Defense College, Rome.
- Gardner, H. (2021). *Hybrid Warfare: Iranian and Russian Versions of "Little Green Men" and Contemporary Conflict*. Rome: NATO Defense College.
- Ghasemi, F., Esmaeili Farzin, I. (2017). Hybrid Warfare in Complex-Chaotic International System. *MILITARY MANAGEMENT QUARTERLY*, 17(66), 52-92. [In Persian]
- Jafari, M., Asadi, F. (2016). Examining the legal aspects of cyber warfare with a view to the rules governing international armed conflicts. *Political Science, Law and Jurisprudence Quarterly*, 4(1), 63-57. [In Persian]
- Hajizadeh, S. (2022). Contextual, theoretical, conceptual and practical explanation of cognitive warfare A case study of Russia. *Iranian Journal of Wargaming*, 5(10), 103-143. [In Persian]
- Heads of State and Government. (2016). *Warsaw Summit Communiqué*. [Online]. Available: <https://www.nato.int/cps/en/na...>
- Jolani, Q., Foulidi, Q. (2018). *Combined wars; A review of literature*. Tehran, National Defense University. [In Persian]
- Kalantari, F. (2016). The Characteristics of a Possible Future War against I.R. of Iran and Strategies to Deal with It. *Defence Studies*, 14(4), 103-131. [In Persian]
- kalantari, F., Hosseini, S.H. (2024). Factors and methods of combined network warfare of the United States against the Islamic Republic of Iran. *American Strategic Studies*, 3(3), -[In Persian]
- Kaldor, M. (2005). Elaborating the 'New War' Thesis. in *Re-thinking the Nature of War*, I. Duyvesteyn, J. Angstrom, Eds. New York: Frank Cass, 210-224 .
- Khamenei, S.A. (2016). Statements in the meeting of the Chairman and members of the Council of Leadership Experts. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32587>. [In Persian]
- Karimi, Y. (1993). Psychological War of the West against Iran. *Defense Policy Quarterly*, No. (72), 81-87. [In Persian]
- Lind, W. S. (2004). Understanding fourth generation war. *Military Review*, 84(5), 12-16.
- Maloney, S. (2015). Un-sanctioning Iran: What the nuclear deal means for the future of sanctions, In: Center Middle East Politics and Policy, Available from: <http://www.brookings.edu/blogs/markaz/posts/2015/8/3-iran-sanctionsfuturenuclear-dealMaloney>.
- Matuszczyk, A. (2012). *Creative Stratagems: Creative and Systems Thinking in Handling Social Conflict*. Kibworth: Modern Society Publishing.
- Mahpishanian, M. (2010). U.S. Media Weapons in the Soft War with the Islamic Republic of Iran. *Psychological Operations Quarterly*, (27), 162 – 183. [In Persian]
- Marsili, M. (2021). From Battlefield to Political Arena. Shifting the Clausewitzian Paradigm. *Political Reflection*, vol. 7, (27), 19-25.
- Marsili, M.M. (2023). Hybrid Warfare: Above or Below the Threshold of Armed Conflict?. *HSZ-HDR*, 150(1-2), 36-48.
- Moradi, H.E. (2011). Editor's Speech: Media War and Control of Public Opinion. *Psychological Operations Studies Quarterly*, No(32), 1-4. [In Persian]
- Michael, F.T. (2021). *The Field of Fight How We Can Win the Global War against Radical Islam and Its Allies*. New York St. Martins Press.

- NATO. (2023). *NATO's response to hybrid threats*. [Online]. Available: <https://www.nato.int/cps/en/na...>
- Neighborhood, H. (2021). *Mölder, V. Sazonov, A. Chochia, T. Kerikmäe, Eds.* Cham: Springer, 149–172.
- Niazi, A., & Moradi, B. (2006). Information & Information warfare. *Military Science and Tactics*, 3(5), 183-193. [In Persian]
- Saeedirad, A., Tavana, M.A. (2016). *Iran and ISIS extremism*. Tehran; Arena Publications. [In Persian]
- Riyazi, V., Akbari, A., Bajlani, S., Akbari, H. R. (2021). Introduction of the Components and Tools of the US Hybrid War against the I.R. of Iran. *Defence Studies*, 19(1), 37-67. [In Persian]
- Sun Tzū. (1910). *The Art of War*. London: Luzac & Co.
- U.S. Department of the Air Force. (1976). *Air Force Pamphlet 110-31, International Law – The Conduct of Armed Conflict and Air Operations*. Washington, DC: U.S. Department of the Air Force.
- U.S. Government Accountability Office. (2010). *Hybrid Warfare, GAO-10-1036R*. [Online]. Available: <https://www.gao.gov/products/g...>
- U.S. Marine Corps. (2022). *Information, MCDP 8*. Washington, DC: Department of the Navy.
- Zulfiqari, V. (2012). Political Behavior of Modern Chinese Diplomacy. *Political Studies Quarterly*, 6(21), 193-214. [In Persian]